

پناهیان: آمارها گویای حرکت جهان به سوی معنویت است/ جلوی رشد معنویت را نمی‌شود گرفت، اما باید از آسیب‌های رشد معنوی جلوگیری کرد/ کربلا محل درگیری ایمان و کفر نبود؛

محل درگیری معنویت ناب و معنویت غیر ناب بود

پناهیان: وقتی جهان به سوی معنویت رفت، ابلیس دیگر آدم‌ها را از راه عرق خوری و فساد گمراه نمی‌کند، بلکه از طریق تحریف معنویت خراب می‌کند. مثلاً ابلیس حضرت آدم(ع) و حوا(ع) را چگونه فریب داد؟ آنها را به حفظ جاودانه آثار معنوی‌ای که در آن غرق بودند دعوت کرد و فریب‌شان داد. پس در بهشت هم می‌شود کسی را فریب داد. در بهشت محبت اهل بیت(ع) هم ممکن است بعضی‌ها فریب بخورند. و امروز موقع فریب خوردن مذهبی‌ها، حزب‌اللهی‌ها، نمازخوان‌ها و گریه‌کنان امام حسین(ع) است.

باید دین را نگه داریم و از تظاهر و نفاق و دروغ‌گویی عبور کنیم تا به یک جامعه خالص برسیم. این راه حل قدیمی و اشتباهی بود که می‌گفتند: برای اینکه تظاهر و نفاق در جامعه پدید نیاید و برای اینکه خون‌ریزی‌های سفاکانه بر اساس دین پدید نیاید، باید دین را حذف کنید و به پلورالیسم روی بیاورید تا خیلی از آسیب‌ها به سراغ جامعه دینی نیاید! ولی راه حلش این نیست. ما باید از این آسیب‌ها «عبور» کنیم نه اینکه اساساً صورت مسأله را پاک کنیم و دین را حذف کنیم!

بخش‌هایی از اولین روز سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان در [مسجد دانشگاه تهران](#) با موضوع «حرکت جهان به سوی معنویت و آسیب‌های آن» را در ادامه می‌خوانید:

گرایش جهان به معنویت روز به روز بیشتر می‌شود/ دشمنان معنویت ناب با ساختن معنویت‌های منحرف، می‌خواهند مردم را از معنویت متنفر کنند

- یکی از ویژگی‌ها درباره وضعیت امروز جهان که دوستان و دشمنان دین از آن سخن می‌گویند، این است که جهان ما روز به روز معنوی‌تر می‌شود. گسترش معنویت در جهان چیزی است که نیاز به اثبات ندارد و طبق آمار و ارقام به سهولت می‌شود آن را درک کرد.
- اندیشمندان غرب و شرق با اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف، به این موضوع اذعان کرده‌اند. مثلاً چند سال قبل، آقای سروش در یکی از صحبت‌های خودش در غرب، گفته بود: گرایش جهان به معنویت روز به روز دارد بیشتر می‌شود و البته از اینکه جهان معنوی‌تر شود ابراز نگرانی می‌کردند و علت این نگرانی را اینطور توضیح می‌دادند که وقتی جهان معنوی‌تر شود، دخالت این معنویت در سیاست بیشتر می‌شود. باید گفت که نگرانی ایشان نگرانی به جایی است. چون دخالت نابه‌جای معنویت در سیاست جای نگرانی دارد، نمونه‌اش همین جریان‌های نظیری داعش هستند. البته معلوم است که دشمنان معنویت ناب در فکر جلوگیری از معنویت هستند و یکی از مهم‌ترین راه‌هایشان ساختن معنویت‌های پر از تحریف و انحراف است تا مردم جهان را از معنویت متنفر کنند.

در جهان امروز رفتار و پوشش مذهبی عامل جاذبه است/ جهان به قدری تشنه معنویت است که معنویت‌های دروغین را به سهولت می‌پذیرد

- اینکه گرایش جهان به معنویت، عموماً و به اسلام، خصوصاً دارد افزایش پیدا می‌کند، یک مسأله بسیار مهم در جهان است. متأسفانه این مسأله مهم در تولیدات و محصولات فرهنگی ما خیلی ضعیف دیده می‌شود.

- اگر امروز در جامعه ما، یک جوان علاقه‌ای به رفتار غیر مذهبی نشان می‌دهد، و به عنوان یک رفتار جدید و جذاب، به انواع رفتارهای غیرمذهبی و پوشش‌های غیرمعنوی روی می‌آورد، به این دلیل است که عناصر یا نهادهای فرهنگی جامعه ما در خواب خرگوشی به سر می‌برند و از این وضعیتی که امروز در جهان پدید آمده، عقب‌تر هستند.
- در جهان امروز جدیداً وضعیت به‌گونه‌ای شده است که بسیاری از اوقات رفتار و پوشش مذهبی عامل جاذبه است. جهان امروز آن‌قدر عطشناک معنویت است که معنویت‌های دروغین را به سهولت می‌پذیرد؛ چون زیادی از معنویت دور افتاده بود. اینجاست که بازار داعشی‌ها و تکفیری‌ها در اروپا رونق مشتری پیدا می‌کند. آن‌قدر عطش معنویت وجود دارد که یک جوان غربی حاضر است حجاب با پوشیه داشته باشد، و لو اینکه او را به عملیات انتحاری دعوت کنند. چرا که دوست دارد دستور دینی به او برسد و او تبعیت کند.
- امروز در جهان، در بین عوامل پرجاذبه و جدید و جذاب، معنویت حرف اول را می‌زند. شما به جامعه خودمان، تلویزیون، سینما و مجلات و... نگاه نکنید. جامعه ما یک زمانی در این زمینه جلو افتاد و یک انقلاب اسلامی برپا کرد. ولی ۳۵ سال است که بعضی عناصر و نهادها، فقط ترمزهایشان کار می‌کند!

در دانشگاه‌های جهان «رشد معنویت و اقسام آن» موضوع پژوهش‌های فراوانی است، اما در دانشگاه‌های ما خبری از این پژوهش‌ها نیست

- شما در حالی که می‌بینید حجاب به سخت‌ترین نوعش و به مبالغه‌آمیزترین شکلش در جهان، عامل جذب کردن به گروه‌های تکفیری و تروریستی می‌شود، در ایران ما هنوز یک فیلم سینمایی برای حجاب ساخته نشده است! البته مهمتر از موضوع حجاب، خوابی است که خیلی‌ها را در بر گرفته است.
- **گرچه شاخص‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد در بدنه مردم، رشد معنویت صورت گرفته است اما اغلب عناصر فرهنگی و فکری، در جهت رشد و توسعه معنویت با وضع جدید جهانی همگام نبوده‌اند. اگر غیر از این بود، در علوم انسانی، علوم تربیتی، سیاسی، اجتماعی و حقوق باید رد پای معنویت نسبت به ۳۵ سال قبل، پررنگ‌تر می‌شد و باید تئوری‌های ضد دین و معنویت رنگ و رونق خودشان را از دست می‌دادند، ولی این‌طور نشده است. این نشان می‌دهد که آن نقاط کلیدی تولید فکر و فرهنگ در جامعه ما در سطوح مختلف عمومی و دانشگاهی نسبت به این حرکت جهانی به سوی معنویت، عقب هستند.**
- **پژوهش‌هایی در دانشگاه‌های کشورهای مختلف جهان، در حال انجام است که درباره معنویت در نقاط مختلف دنیا و انواع و اقسام مظاهر معنویت در کشور خودمان بررسی می‌شود ولی در دانشگاه‌های خودمان اصلاً خبری از این پژوهش‌ها نیست. مثلاً برخی از پژوهش‌گران به ایران آمده‌اند و دهه محرم را به عنوان پایان‌نامه خودشان قرار داده‌اند و می‌خواهند بفهمند در این دهه در ایران چه اتفاقی می‌افتد؟ از آنها خواسته‌اند که جزئیات مراسم مختلف عزاداری را ثبت کنند تا نمره پایان‌نامه خود را بگیرند.**

آمارها گویای حرکت جهان به سوی معنویت است/ ساخت ۲۰۰۰ مسجد در فرانسه و رشد تصاعدی زائرین در پیاده‌روی اربعین، نشانه چیست؟

- جهان دارد رو به معنویت می‌رود و این یک سخن روشن است که آمارها نیز گویای چنین مسأله‌ای است. مثلاً پیاده‌روی به سوی کربلا از قبل از انقلاب، وجود داشته است ولی قبل از اینکه صدام ملعون پیاده‌روی به سوی کربلا را ممنوع کند، فکر می‌کنید در عراق چه تعداد زائر در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کردند؟ تعدادشان بسیار محدود بود و حتی به چند صد نفر هم نمی‌رسید. آن هم برخی از طلبه‌های حوزه و برخی از خوبان جامعه.
- امروز چه شده است که بعد از برداشته شدن منع صدام، در مردم عراق چنین تحولی ایجاد می‌شود که تعداد زائرین پیاده‌روی اربعین با همه هزینه‌های کاملاً مردمی، به ۲۰ میلیون نفر می‌رسد؟ این رشد تصاعدی نتیجه چیست؟
- طبق آمارهای موجود، در ۲۰ سال گذشته تعداد مسلمانان اروپایی دو برابر شده است. صرفاً در دهه گذشته ۲۰۰۰ مسجد در فرانسه ساخته شده است در حالی که در این ده سال، فقط ۱۰ کلیسا ساخته شده است. این منهای کلیساهایی است که مردم به تقاضای خودشان آنها را تبدیل به مسجد کرده‌اند، یعنی در همان ساختمان کلیسا، دارند نماز می‌خوانند.

تا ۱۰ سال آینده بزرگترین دین در انگلستان، اسلام خواهد بود/ از هر ۱۰ جوان انگلیسی یکی نفر مسلمان است

- نیمی از کودکانی که در هلند متولد می‌شوند مسلمان هستند و طی سال‌های آینده نیمی از مردم هلند، مسلمان خواهند بود. این آمار مربوط به ۴ سال پیش است.
- تا ۱۰ سال آینده بزرگترین دین در انگلستان، اسلام خواهد بود. (نشریه راشا تودی) جمعیت ۸۹ هزار نفری مسلمانان انگلیس امروز به دو و نیم میلیون نفر رسیده است. الان از هر ۱۰ جوان انگلیسی یکی نفر مسلمان است. همچنین کشور آلمان در سال‌های آینده تبدیل به یک کشور اسلامی خواهد شد.
- در علم حقوق هم دارد تحولی پدید می‌آید. چون علم حقوق مبنای حق و عدل را بسیاری از عرفیات قرار داده است و امروز می‌بینیم که این عرفیات دارد تغییر کند. مثلاً دیگر کسی نمی‌تواند بگوید که حکم قصاص از نظر انسانی درست نیست! چون وقتی که اکثر جمعیت یک کشور مسلمان باشند، دیدگاه‌شان را با این خواستگاه ایده‌آولوژیک تغییر می‌دهند و آن وقت کشوری مثل آلمان که حکم قصاص در آن ممنوع است، طبق قانون و قاعده باید دوباره برگردد و حکم قصاص را بپذیرد.

مسئولیت ما در قبال رشد معنویت در جهان چیست؟ / در بهشت محبت اهل بیت(ع) هم ممکن است بعضی‌ها فریب بخورند

- وقتی جهان به سوی معنویت حرکت می‌کند، ما نه تنها در این زمینه نباید عقب بمانیم بلکه در قبال آن مسئولیت داریم. یکی اینکه باید مراقب آسیب‌ها باشیم. **زیرا وقتی جهان به سوی معنویت رفت، ابلیس دیگر آدم‌ها را از راه عرق خوری و فساد گمراه نمی‌کند، بلکه از طریق تحریف معنویت خراب می‌کند. مثلاً ابلیس حضرت آدم و حوا را چگونه فریب داد؟ آنها را به حفظ جاودانه آثار معنوی‌ای که در آن غرق بودند، دعوت کرد و فریب‌شان داد. پس در**

بهشت هم می‌شود کسی را فریب داد. در بهشت محبت اهل‌بیت (ع) هم ممکن است بعضی‌ها فریب بخورند. و امروز موقع فریب خوردن مذهبی‌ها، حزب‌اللهی‌ها، نمازخوان‌ها و گریه‌کنان امام حسین (ع) است.

• امروز در شرایطی که عزاداری امام حسین (ع) همه جهان را تکان داده است، برخی که مسؤولیت پژوهش بر روی آثار حضرت امام (ره) را به عهده دارند، می‌گویند: «عزاداری امام حسین (ع) در این سالها چه اثری داشته است؟» در حالی که نگاه حضرت امام (ره) به عزاداری این‌گونه بود که می‌فرمود: «ملت ما قدر این مجالس را بدانند، مجالسی است که زنده نگه می‌دارد ملت‌ها را. در ایام عاشورا زیاد و زیادت‌تر... اگر بعد سیاسی اینها را اینها بفهمند، همان غرزه‌ها هم مجلس بیا می‌کنند و عزاداری می‌کنند، چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند» (صحیفه امام / ۱۶ / ۳۴۷) یعنی حتی اگر دین نداشته باشید و غرزه باشید، اگر به فکر مردم و جامعه خودتان باشید و حتی با یک نگاه سیاسی و اجتماعی منهای دین نگاه کنید، باز هم فوایدی که مجلس عزاداری برای جامعه دارد را می‌فهمید و به سراغش می‌روید. یعنی روی حساب فواید سیاسی عزاداری این کار را انجام می‌دهند نه روی حساب دین.

داعشی‌ها چگونه با نشان دادن بی‌دینی‌های موجود در جامعه ما، اروپایی‌ها را جذب می‌کنند؟ / با پاک کردن صورت مسئله، مسئله حل نمی‌شود

- گرایش به معنویت فراتر از آنی است که ترمزهایی که ما در داخل فرهنگ‌مان داریم بتوانند جلوی این معنویت را بگیرند! برخی کارشناسان می‌گویند یکی از دلایلی که داعشی‌ها می‌توانند برخی طرفداران شدید معنویت و شریعت اسلامی در اروپا را به عناصر تکفیری تبدیل کنند این است که برخی بی‌دینی‌های ظاهر در جامعه ما را به آنها نشان می‌دهند و به آنها می‌گویند: «شما طرفدار اسلامی که در جمهوری اسلامی ایران است، هستی؟ نگاه کن و ببین که چقدر در بین خودشان بی‌دینی است! جامعه آنها و فیلم‌های آنها را ببین! پس بیایید اول اینها را از روی زمین برداریم، بعد برویم به سراغ اسرائیل!» یعنی آنها به دروغ و با تکیه بر برخی ظواهر، ما و جامعه ما را بی‌دین معرفی می‌کنند و برای نشان دادن آن، مستندسازی می‌کنند و بر این اساس می‌گویند که اصلاً اینها به دین معتقد نیستند! آنها هم می‌بینند و می‌پذیرند.
- جالب این است که هنوز برخی از عقب‌مانده‌های ذهنی، مثل قبل از انقلاب، دین را افیون توده‌ها می‌دانند. البته آن موقع مارکسیست‌ها این سخن را می‌گفتند و اخیراً لیبرال‌ها این را می‌گویند. می‌گویند: دین ضرر دارد! یک جاهایی به ما لطمه می‌زند!
- البته درباره لطمه‌هایی که دین‌داران به خودشان و به جامعه خودشان وارد می‌کنند، باید بحث شود و آنها را رفع و حل کرد، نه اینکه صورت مسئله را پاک کنیم و دین را کنار گذاریم، در اینصورت معنویت‌های قلبی گرایش به معنویت را به نفع خود مصادره می‌کنند. و مسئله حل نمی‌شود.
- نفاق، تظاهر و دروغ‌گویی از جمله لطمه‌هایی است که در یک جامعه دینی، برخی دینداران به خودشان و جامعه خودشان وارد می‌کنند. زیرا در ابتدا، دین، نفاق و تظاهر به دینداری تولید می‌کند و دروغ‌گویی را رواج می‌دهد. اما وقتی بی‌دینی بود، دیگر دلیلی وجود ندارد که خیلی از دروغ‌ها گفته شود، چون هر رفتار زشت و غیر ارزشی انجام دادید، می‌گویید: «دلم خواست و این کار را انجام دادم!» جهانی که غربی‌ها ساختند، جهانی است که صداقت ظاهری بر دینداری حقیقی ترجیح دارد. ولی وقتی دیندار شدی، دینداری بر صداقت ظاهری و نمایشی ترجیح پیدا می‌کند و تظاهر و نفاق هم در جامعه دینی رواج پیدا می‌کند. البته در جوامع

بی‌دین بسیاری از انواع بی‌صدقتی‌های شدید، عمیق و قبیح وجود دارد، اما چون پنهان هستند، در نگاه‌های سطحی و ظاهربین دیده نمی‌شوند.

جلوی رشد معنویت را نمی‌شود گرفت، اما باید از آسیب‌های رشد معنوی جلوگیری کرد/امروز نوبت دعوت جهان به معنویت نیست، نوبت معرفی معنویت صحیح است

• باید دین را نگه داریم و از تظاهر و نفاق و دروغ‌گویی عبور کنیم تا به یک جامعه خالص برسیم. این راه حل قدیمی و اشتباهی بود که می‌گفتند: برای اینکه تظاهر و نفاق در جامعه پدید نیاید و برای اینکه خون‌ریزی‌های سفاکانه بر اساس دین پدید نیاید (مثل اتفاقی که تکفیری‌ها انجام می‌دهند) باید دین را حذف کنید و به پلورالیسم روی بیاورید و به چیزی معتقد نباشید! می‌گفتند: دین را حذف کنید تا خیلی از آسیب‌ها به سراغ جامعه دینی نیاید! ولی راه حلش این نیست. ما باید از این آسیب‌ها «عبور» کنیم نه اینکه اساساً صورت مسأله را پاک کنیم و دین را حذف کنیم!

• جلوی رشد معنویت را نمی‌شود گرفت. کسانی که به رشد معنویت بی‌اعتنا هستند دچار اشتباه بزرگی هستند. کاری که ما باید انجام دهیم این است که از آسیب‌های رشد معنوی جلوگیری کنیم و معنویت‌های خودمان را بی‌آسیب قرار دهیم. مثلاً هر کسی که به مسجد می‌آید و نماز می‌خواند، در معرض آسیب عجب قرار می‌گیرد. و این حداقل آسیب دینداری است. از این آسیب باید مراقبت کرد.

• اگر ما خودمان را از آسیب دینداری مصون نکنیم، معنویت بازار سیاه پیدا می‌کند و معنویت و دینداری قلبی زیاد می‌شود. تازه دعوا از این به بعد است. الان نوبت این نیست که مردم جهان را به معنویت دعوت کنیم، این مسأله حل شده است؛ الان نوبت این است که بگوییم دین درست و معنویت درست کدام است؟ چون دینداری قلبی در بازار، فراوان شده است.

کربلا محل درگیری ایمان و کفر نبود؛ محل درگیری معنویت ناب و معنویت غیر ناب بود

• دینداری قلبی آن قدر خطرناک است که در روایت می‌فرماید: اگر کسی در دین، بدعتی ایجاد کند، خشوعش در عبادت بیشتر خواهد شد (پیامبر(ص): مَنْ عَمِلَ فِي بَدْعَةٍ خَلَاهُ الشَّيْطَانُ وَالْعِبَادَةُ وَالْقَى عَلَيْهِ الْخُشُوعَ وَ الْبُكَاءُ؛ نوارد رواندی/۱۸) با این حساب باید گفت اگر کسی بدعتی در دین بگذارد و به مجلس امام حسین(ع) برود، چه بسا بیشتر هم گریه کند.

• کربلا محل درگیری ایمان و کفر نبود، بلکه محل درگیری معنویت ناب و معنویت غیر ناب بود. اگر امام حسین(ع) را بی‌دین‌ها کشته بودند، کربلا اوج قلّه حیات بشر نبود. مسأله این بود که حسین(ع) را دینداران به قتل رساندند؛ کسانی که خدا و پیغمبر و قیامت را قبول داشتند...

